

یکشنبه • ۶ مهر ۱۳۹۳ • سال دوازدهم • شماره ۲۱۲۵ • ۷

روزنامه شرق

روزنامه فردا

نوزاد ناقص الخلقه ناسیونالیسم ایرانی، گفت‌وگو با مجید شریفی	صفحه ۸
در جست‌وجوی عصر زرین	صفحه ۸
آینده سلفی‌گری افراطی، درباره داعش و بنیادگرایی	صفحه ۱۰

دیالوگ

«شیوا دولت‌آبادی» به بهانه خشکسالی ۳۰ساله کودکان می‌توانند سفیر فرهنگ صرفه‌جویی شوند کودکان ۳۰ساله در ایران آغاز شده و قطعا در چنین روزهایی، کودکانی در سراسر ایران، درگیر کم‌آبی و قطعی آب خواهند شد. به همین بهانه به سراغ شیوادولت‌آبادی، «روانشناس کودک‌واستاندانشگاه علامهطباطبایی رفتم؛ تا از او بشنوم چطور باید فرهنگ صرفه‌جویی و مصرف بهینه را در نسلی که عمر خود را با چنین مشکلی سپری خواهد کرد، نهادینه کنیم. در ادامه راحل‌های رییس انجمن روانشناسی ایران و انجمن حمایت از حقوق کودکان را در این‌باره جویا شده‌ام.

❖ **با توجه به مساله خشکسالی ۳۰ساله‌ای که به‌تازگی آغاز شده، چه روشی برای آموزش صرفه‌جویی به کودکان را موثرتر می‌دانید؟** صرفه‌جویی یک توانایی چندوجهی است که در آن، بسیاری از ویژگی‌های خوب انسانی جمع می‌شوند. در یک تحلیل ساده می‌توان گفت که در این توانایی یک امتناع درونی یا کم‌نیازی نهفته است که حکایت از ارتباطی سالم با مصرف دارد. از سوی دیگر، صرفه‌جویی یک هنر است که در آن ذهن خلاقانه به کاهش مصرف و شاید جست‌وجو برای جایگزین کردن و حفاظت از موضوع مورد مصرف می‌پردازد. در مجموع می‌توان به صرفه‌جویی به‌عنوان یک خصیصه فرهنگی در دل یک فرهنگ نگاه کرد. وقتی اینگونه به صرفه‌جویی نگاه کنیم آن وقت دیگر فقط یک روش انتخابی برای آموزش مطرح نمی‌شود بلکه صرفه‌جویی یک ویژگی است که در بستر ارتباط‌های روزمره زندگی، در جمع چالش ایجاد می‌کند. می‌دانیم که در تهران ۱۵۰لیتر در روز است در حالی‌که در کشورهای پرآب این میزان ۱۵۰لیتر در روز است و ما تهرانی‌هایی که خبر از خوانده‌ایم که سد لار و سد لتیان خشک شده‌اند باید بیشتر نگران باشیم، می‌دانیم که مساله آب برای برق هم چالش ایجاد می‌کند. می‌دانیم که شرایط اوج مصرف و گرمای شدید امسال به‌گونه‌ای بود که امکان استفاده از ظرفیت بسیاری از نیروگاه‌های برقابی از جمله اسفهان و همدان ممکن نبود. با این حساب باید منتظر باشیم که شرایط بحران کم‌آبی و کاهش شدید منابع تولید اوج مصرف و گرمای طاقت‌فرسای تابستان اخیر وضعیت برق‌رسانی را در بسیاری از مناطق با چالش جدی مواجه کرده و موجب افزایش بی‌سابقه اوج مصرف انرژی برق و خاموشی‌های مکرر شود. وضعیت بحران آب آنقدر

❖ تکنولوژی که تبدیل به یکی از مآواهای نسل جدید شده، چه اندازه به این آموزش کمک می‌کند؟

تکنولوژی در همه حال می‌تواند کمک کند؛ چه در راستای آموزه‌هایی که با کمک تکنولوژی‌های مدرن آموزشی بر مغز و رفتار اثر آموزشی خوب و موثر می‌گذارد و چه در جایی که مانند بسیاری از کنترل‌کننده‌های مصرف



مثلا آنجا که آب به کمک چشم الکترونیکی به‌صورت جیره‌های محدود از شیر آب می‌آید و قطع می‌شود تا دوباره به‌کار گرفته شود. این کنترل‌ها می‌توانند درونی شوند و آگاهی از اهمیت مقدار مصرف و برنامه‌ریزی برای مصرف بهینه با این روش‌ها به فرهنگ تبدیل شود.

❖ **نقش آموزش و پرورش در این میان چیست؟** آموزش و پرورش می‌تواند غوغا کند. ببینید میلیون‌ها انسان در بهترین سال‌های یادگیری هزاران ساعت در اختیار آموزش و پرورشند. چه شاهکارهایی از انسان‌های مسوول می‌شود از این مغزها به‌وجود آورد. خیلی ساده می‌شود به دانش‌آموزان یک تکلیف ساده داد که به‌نظر آنها چگونه می‌شود در مصرف آب صرفه‌جویی کرد. تردید ندارم که ایده‌های خلاق فر د گرد خواهند آمد یا می‌شود از آنها خواست که مسوولیت نظارت بر پایین‌آمدن آب‌بهای خانه‌شان را برعهده بگیرند. مشاهده قبض آب خود یک آموزش است. به این ترتیب آگاهی از اهمیت مصرف مناسب در خانواده بالا می‌رود و به فرهنگ مصرف تبدیل می‌شود.

❖ **چرا کودکان ما برخلاف کودکان نقاط دیگر دنیا اصلا صرفه‌جویی و مصرف بهینه را یاد نگرفته‌اند؟ راحل چیست؟**

در پرسش نخست شما راجع به فرهنگی بودن این پدیده نکته‌هایی را گفتم؛ البته ما در این وطن پهناور و بسیار پرتنوع از هر منظر و نظر اقلیمی می‌بینیم که در فضاهای گوناگون نسل‌ها از شیوه زندگی والدینشان الگوبرداری می‌کنند که به‌دلیل عمدتا اقلیمی در جاهایی همه رفتارها مصرف‌انه نیست. ولی حق با شماست که رفتار بی‌مسوولیت نسبت به مصرف به‌ویژه در شهرهای بزرگ بسیار شایع است. این نتیجه نقش‌پذیری و همانندسازی با بزرگ‌ترهاست و بزرگ‌ترها هم متأسفانه نه کروزمین را که میزبان موقت آنهاست دوست دارند و نه خود آنها از والدینشان صرفه‌جویی را یاد گرفته‌اند. در بسیاری از کشورهای خارجی به‌خصوص تجربه جنگ‌ها و در نتیجه ضرورت صرفه‌جویی و قدرشناسی از مواب از یاد رفته است و هم اصولا زندگی با بیشتر از ما با حساب‌کتاب اداره می‌شوند. البته اینجا اضافه کنم که رفا متأسفانه با مصرف بی‌رویه تداعی می‌شود و این جهان سرمایه و مصرف، متأسفانه الگوهای رفتاری همه‌جا را تحت‌تأثیر قرار داده است.

❖ **آیا آاگر کودکان یاد بگیرند می‌توانند به بزرگ‌ترهایشان هم آموزش دهند؟**

بی‌شک انسان‌ها در تعامل با یکدیگر از یکدیگر می‌آموزند. کوچک‌ترها می‌توانند سفیران این فرهنگ شوند اگر به‌درستی بیاومزد و آموخته‌هایشان به باورهای بنیادین تبدیل شوند.

❖ **می‌توانیم امیدوار باشیم که با وجود این خشکسالی و آموزش‌هایی که نسل جدید در این‌باره می‌بیند، فرهنگ صرفه‌جویی در ما نهادینه و به این وسیله از شدت بحران کاسته شود؟**

به‌نظر می‌رسد که جرای‌جز این نخواهیم داشت که این مایه حیات را دیگر چون آشک‌چشم ارج بگذاریم و به‌ناچار فرهنگ صرفه‌جویی را تمرین کنیم و بیاموزیم.

در همین حوالی

صرفه‌جویی وظیفه یا اجبار هلیا آبادی

حالا دیگر همه می‌دانند که کمبود آب جدی است. حالا دیگر میزان هشارهایی که قبلا کلامی بود به قطع آب رسیده است. هرروز هفته نوبت بخشی از مناطق است که آب جاری از لوله‌هایشان قطع شود.

هر طرف بحث این است که چطور بحران آب را مدیریت کنند، لوموند و رسانه‌های دیگر کشورها هم به این بحث علاقه نشان داده‌اند. نمایندگان مجلس هم به میدان آمده‌اند البته کمی دیر ولی بحران آب تهران در جلسه مجمع نمایندگان تهران با مدیران ایفا بررسی شده و قرار است فراکسیون محیط‌زیست مجلس‌شورای‌اسلامی نیز این مساله را بررسی کند. حالا دیگر می‌دانیم که میزان مصرف آب شرب در تهران ۱۵۰لیتر در روز است در حالی‌که در کشورهای پرآب این میزان ۱۵۰لیتر در روز است و ما تهرانی‌هایی که خبر از خوانده‌ایم که سد لار و سد لتیان خشک شده‌اند باید بیشتر نگران باشیم، می‌دانیم که مساله آب برای برق هم چالش ایجاد می‌کند. می‌دانیم که شرایط اوج مصرف و گرمای شدید امسال به‌گونه‌ای بود که امکان استفاده از ظرفیت بسیاری از نیروگاه‌های برقابی از جمله اسفهان و همدان ممکن نبود. با این حساب باید منتظر باشیم که شرایط بحران کم‌آبی و کاهش شدید منابع تولید اوج مصرف و گرمای طاقت‌فرسای تابستان اخیر وضعیت برق‌رسانی را در بسیاری از مناطق با چالش جدی مواجه کرده و موجب افزایش بی‌سابقه اوج مصرف انرژی برق و خاموشی‌های مکرر شود. وضعیت بحران آب آنقدر



جدی شده که هیات دولت علاوهبر جلسه، اقدامات دیگری هم انجام دادند و اسحاق جهانگیری و وزیر نیرو، رئیس سازمان حفاظت محیط‌ظرفی استاندار تهران از سدهای لتیان، لار و مالمو بازدید کردند، بازدید غم‌انگیزی که نشان داد میزان آب سدهای لتیان و لار هفت‌هشتمتر پایین‌تر از سطح تونل‌های آب است و با کمک پیمایز باید آب بالا کشیده‌شود. اینکه چرا مسوولان کمی زودتر تدبیری نپندیشیدند که این وضعیت بحرانی پیش نیاید و مساله را با مردم در میان نگذاشتند خود بحثی جداگانه است. می‌شود گفت در حال حاضر تنها امید تهرانی‌ها باید به بارش باران‌های پاییزی باشد و اینکه از نیمه مهرماه تدبیر وزارت نیرو به نتیجه برسد و ذخایر آبی سد مالمو به تصفیه‌خانه شماره هفت تهران برسد.

اما پیش از آن و با توجه به اینکه خشکسالی در سراسر کشور وجود دارد، فارغ از وظیفه دولت به‌سراع مردم رفتاریم. به‌سراع جامعه‌شناس، هنرمند و حتی متخصص امر تربیت و تعلیم کودکان تا بگویند که چگونه با این وضعیت باید روبه‌رو شویم. اینکه چگونه باید همه از جمله کودکان برای آغاز ۳۰ساله خشکسالی در ایران آماده شوند و این مسیر را با تکیه بر توانایی‌ها و دانایی‌های مرسوم‌طی کنند؛ نکته‌هایی که مردم سراسر دنیا آن را می‌دانند و عمل می‌کنند.



۶ پیشنهاد برای زندگی در تشنگی

باید دوباره کشف کرد

سعید پورآبادی

هشدار داده‌اند که استفاده از چاه‌های خانگی را به زودی قدغن خواهند کرد، اما این برای احیای آب‌های زیرزمینی کافی نیست. باید راه‌حلی اساسی‌تر ارایه شود. «ریما رامین‌فر: من امیدوار بودم که راه‌حلی اندیشیده شود که شهروندان از آب تصفیه‌شده لوله‌کشی برای همه مصارف استفاده کنند. این روزها می‌گویم کاش پیش‌تر رعایت کرده بودیم تا امروز از نعمت حیات‌بخش آب محروم نباشیم. اما حالا هم دیر نیست فکر می‌کنم ای کاش آب تصفیه‌شده را فقط بگذاریم برای خوروخوراک، برای سایر مصارف از آب لوله‌کشی استفاده نکنیم. متأسفانه تا به امروز آموزش درستی ندیده‌ایم به این منظور که چطور می‌توان از آب، کمتر استفاده کرد. رسانه‌های خارجی در این زمینه خیلی بهتر عمل کرده‌اند. یک‌بار در یکی از این رسانه‌ها، برنامه‌ای می‌دیدم که شیوه مصرف بهینه آب در مصارف خانگی را تبلیغ می‌کرد و مثلا نشان می‌داد برخلاف عادت غلطی که ما داریم، لازم نیست ظرفی که می‌خواهیم در ماشین ظرفشویی بگذاریم یک دور پیش از قراردادن در ماشین آب بگیریم بلکه کافیتست از یک دستمال نمدار آن را تمیز کنیم. متأسفانه ما عادت داریم همیشه فرافکنی کنیم و همه تقصیر‌ها را به گردن دولت بیندازیم و هر گز فکر نمی‌کنیم اگر در مواردی همکاری کنیم، نتیجه به نفع خودمان خواهد بود. اما مایه حیات است و ادامه زندگی ما روی زمین، وابسته به وجود آن. بنابراین باید برای تداوم آب، تدبیری اندیشیده شود تا آب برای همه باشد. اولین قدم، آموزشی وسیع و همگانی است چون به وضوح شاهدیم که افراد در مصرف آب، صرفه‌جویی نمی‌کنند. خودخواه هستیم و حتی سال‌هاست این بین مردم ما قاعده شده که در فصل تابستان، هر روز دوش بگیرند بی‌اینکه به کمبود آب فکر کنند. اصولا حاضر نیستیم به‌خاطر منافع و مصلحت جمعی از قواعد خودمان صرف‌نظر کنیم و این واقعا یک معضل بزرگ است.

عطاءالله امیدوار: نگهدار مجتمع معمولا صبح‌ها که طبق روال همیشگی در حال شستشوی حیاط با آب آشامیدنی است به همسایگان تعارف می‌زند که شیلنگ آب را روی ماشین آنها هم گرفته تا غبار احتمالی روی شیشه‌ها پاک شود. در همین زمان تعارف‌های معمول و در زمانی که شیلنگ آب می‌رود روی بدنه ماشین، چند گالنی آب هدر می‌رود. این آب، آب‌ارزانی نیست. برای تسویه و مساعدشدنش، میلیون‌ها تومان هزینه صرف شده اما اینها هم مهم نیست؛ اصلا وقتی موضوع آب در میان باشد، پول چه کاره است؟ آب تنها چیزی در جهان است که با پول نمی‌شود آن را خرید، البته شاید امروز بتوانیم، اما فردا دیگر قطعا نخواهد شد. همین موضوع نگران‌کننده است و آنقدر این نگرانی در طول این سال‌ها گفته شده که حالا کمتر به آن توجه می‌کنند اما واقعیت این است که امروز شرایط ما با مثلا یک سال پیش، زمین تا آسمان فرق می‌کند. امروز روزی نیست که بخواهیم، صرفا به خاطر یک تعارف یا خوش خدمتی، با آب آشامیدنی بازی کنیم، بگذاریم با آن، ماشین را بشویند یا کارهایی ازاین‌دست. پس لطفا از نگهدار خواهش کنید اول شیر آب را ببندند و بعد به او توضیح بدهید که نفت‌ها حاضر نیستید ماشین‌تان شسته شود بلکه ترجیح می‌دهید این آب را خودتان نوش جان کنید، چراکه ممکن است آخرین قطره‌های آب باشد.

❖ اشکال کار کجاست؟

شاید اشکال این است که همیشه همین حالایمان را می‌بینیم و خودخواهیم به خودمان می‌گوییم ما که آب داریم، مهم نیست که آب همسایه قطع است. غافل از اینکه فردا سرنوشت خودمان هم مثل امروز هسایه است.

❖ **این مشکل درباره سایر منابع انرژی هم وجود دارد. آیندندنگر نیستیم.**

بله. با نفت هم همین وضع را داریم. فقط امروز خودمان را می‌بینیم و به آیندگان فکر نمی‌کنیم. ما و آیندگان ما و بچه‌های ما همه محتاجش هستیم. حل این مشکل، همت بلند می‌خواهد. در این مصیبت ناپیدا باید با کارشناسی و کاردانی، آینده خود و بچه‌هایمان را نجات دهیم چون اگر همین وضع ادامه پیدا کند حتی گنجشک‌ها و کبوترها هم از این ديار کوچ می‌کنند و زندگی در این کشور ناممکن می‌شود. باید همگی به کمک هم به فکر این موضوع باشیم. این موضوع به مراتب مهم‌تر از هر موضوع دیگری است.

❖ **هنرمندان به حل این مضلل چه کمکی می‌توانند کنند؟**

باید برنامه‌های زنده تلویزیونی برای هشدار دادن تولید شود که همه هنرمندان روی آنتن بیایند و در این باره صحبت کنند چون به هرحال مردم، برای این قشر ارزش و احترام قایلند و حرفشان خردبار دارد. خود من به‌شخصه حاضر در هر برنامه تلویزیونی با این موضوع صحبت کنم. دیگر نگوییم آب در خانه ما هست، اشکالی ندارد اگر در خانه همسایه نیست. این مشکل را همین حالا جدی بگیریم. یک‌بهمکان وارد عمل شویم و به جای فقط حرف‌زدن، به‌دنبال راحل‌های عملی باشیم.

نزدیک است؛ نزدیک نیست درواقع، امروز درست در داخل خود بحران هستیم.

بهرام دبیری: به نظر من دیگر برای چاره‌اندیشی خیلی دیر شده. واقعا کار از کار گذشته. باید ۴۰، ۳۰ سال پیش برای کم‌آبی امروز تدبیر می‌اندیشیدیم. به آمارها توجه کنید که می‌گوید امروز ۹۰درصد مصرف آب ما، صرف کشاورزی می‌شود که ۷۰درصد از این آب به دلیل شیوه‌های غلط و کهنه، هدر می‌رود، یا ۴۰درصد آب آشامیدنی شهری‌مان در لوله‌های آب پوسیده و زنگ‌زده از بین می‌رود و با توجه به چنین سیستمی، حالا واقعا فکر می‌کنید ما اگر در حین مسواک‌زدن شیر آب را ببندیم، دردی دوا می‌شود؟ من تمام‌قد موافق صرفه‌جویی هستم و این شیوه را می‌پسندم اما این معضل نیاز به راه‌حلی بنیادین دارد. مثلا سدسازی یکی از مخرب‌ترین و آسیب‌زننده‌ترین ساختارهای معماری طول تاریخ بشر است که محیط زیست را تخریب می‌کند و اکوسیستم را به هم می‌زند، اما هنوز هم از آن دست نکشیده‌ایم. یا مثلا تمام رودخانه‌هایمان به دلیل فاضلاب و گندآب کارخانه‌ها و مراکز صنعتی آلوده شده‌اند. چرا خودخواه بودیم و فکر کردیم آب تا ابد هست و هر کدام‌مان که خواستیم بی حساب و کتاب، چاه عمیق حفر کردیم؟ در خبرهای همین چند روز می‌خواندم که در ایران برای تولید یک کیلو گندم هزارو ۳۰۰لیتر آب مصرف می‌شود، این رقم فاجعه نیست؟ یعنی ما سال‌ها جواهر داده‌ایم و در عوض یک‌تکه سنگ گرفته‌ایم. درحالی‌که با پول ۲۰لیتر آب می‌توانستیم گندم بخریم و وارد کنیم. در کشوری که تاریخ شش‌هزارساله‌اش حاکی از احترام به آب و قنات از اختراعات تمدن باستانی‌اش است، چرا باید وضع به جایی برسد که دانش و توجه‌مان را نسبت به این مایه حیات از دست بدهیم؟ متأسفانه مدیران آبی ما در این سال‌ها، نه گذشته‌مان را درک کردند و نه به آینده اندیشیدند. حالا با این وضع می‌شود به مردم گفت دوش بگیرند؟ به‌نظرم بهترین کار این است که حالا با مدیریتی درست، لوله‌کشی‌های شهر ترمیم شوند تا آب کمتری هدر رود. یا مثلا شستن کوی‌پوزن با شلنگ آب لوله‌کشی ممنوع شود. جلوی چاه‌های بی‌قاعده‌ای که بر سر هیچ پدید آمده‌اند، گرفته شود. در کشور ما، خشکسالی همیشه بوده ولی عدم‌مدیریت موجب آسیب اخیر شده است. ایران همواره از دوران امپراتوری هخامنشیان سرزمین خشکی بوده ولی در همه دوران‌ها مردمان ما دانستندد چطور آب را حفظ کنند.

فریدون شهبازیان: در مصرف آب نباید بی‌ملاحظه بود. همیشه از پنجره خانه، خیابان را که نگاه می‌کنیم می‌بینیم شهروندان به راحتی و با آسایش آب آشامیدنی را صرف شست‌وشوی ماشین می‌کنند یا باغچه‌ها را آب می‌دهند. این خطرناک و در عین حال درآورد ر است. باید کمی رعایت و ملاحظه کرد. تازه وقتی آب قطع می‌شود هممان عزا می‌گیریم درحالی‌که باید به جای بی‌ثابی لخطای، آموزشی همگانی داده شود چون نهادینه‌شدن فرهنگ صرفه‌جویی، بدون آموزش ممکن نیست. کم‌آبی نهایتا سبب قطع آب لوله‌کشی می‌شود، این تأثیری در فرهنگ مصرف افراد ندارد. چون معمولا به خانه اقوامی که آبشان قطع نشده می‌روند و زندگی خود را این‌طوری می‌گذرانند. باید با آموزش درست، مردم را درگیر مساله کمبود آب کرد. باید آموزشی مدون از طریق رسانه‌ها نظیر صداوسیما به مردم داده شود. با اینکه

مساله کم‌آبی در گفت‌وگو با «داریوش فرهنگ»:

ریشه‌های زندگی در حال قطع شدن است

همه به یک اندازه متضرریم. امروز پیاده و سواره هردو به سمت چشمه‌ای خشک می‌روند که بی‌حاصل و بی‌جان است. وقتی آب نباشد فرقی نمی‌کند سواره‌ای یا پیاده، دکتری، مهندسی یا کشاورزی؛ چون شریان زندگی قطع شده

❖ **سرانجام باید این مشکل را جدی گرفت. اما چرا تا امروز جدی گرفته نشده؟**

من هم نمی‌دانم سرانجام کی باید ایسن مایع حیات را جدی گرفت؟ تا امروز جدی نگرفته‌ایم شاید به‌خاطر بی‌عصاده‌ای که اصولا بین مردم و دولتمردان وجود دارد.



عکس عباس کوفی، شرق

پیش‌بینی‌های تلخ، محقق شد. آنها‌یی که تکذیب می‌کردند و می‌گفتند کارشناسان سیاه انگاری می‌کنند، امروز سکوت کرده‌اند. آب سدها ته کشیده و بعید هم نیست که بحران آب فقط مربوط به تهران نباشد. این شروع یک دوره نیم‌قرنی و شاید هم ۳۵ساله خشکسالی است. در این ایام باید چه کرد؟ می‌گویند آب مصرفی شهرها در ایران، کمتر از پنج‌درصد است. آیا این عرصه کم، مجال خلاقیت را در اختیار مردم قرار می‌دهد یا تنها باید به کشاورزان و صنعتگران برای تغییر الگوی مصرف آب هشدار داد. اینجا از چند چهره پیشنهادهای ساده‌ای برای عبور از بحران یا به عبارت بهتر، زندگی در روزگار بحران آب کنار هم قرار داده‌ایم؛ پیشنهادهای ساده‌ای که اگر عملیاتی شوند، شاید ما را با تشنگی کمتری از این روزهای سخت عبور دهند.

احمد مسجدجامعی: شرایط امروز به ما یادآوری می‌کند که قدر قنات‌های تهران را بیشتر بدانیم. وقتی که در برنامه‌های تهرانگردی، به نقاط مختلف شهر خصوصا در بافت تاریخی آن سر می‌زنیم، از اهالی محل معمولا در مورد قنات‌ها سوال می‌کنم تا بلکه حساسیت‌ها افزایش پیدا کرده و جامعه‌نسبت به یکی از غنی‌ترین گنجینه‌های حیاتی تهران آگاهی پیدا کند. قنات‌های تهران روزگاری این شهر را از نعمتی بی‌اندازه و غیرقابل اندازه‌گیری سرشار می‌کردند اما در طول این سال‌ها، قنات‌ها با آمدن آب شرب لوله‌کشی‌شده فراموش شده‌اند و از زمانی که در سایه این فراموشی مانده‌اند، تخریب آنها هم سرعت یافته است. قنات‌ها را باید دریافت، آن هم درست در شرایطی که وضع آب تهران روی خط بحران است و منابع آبی شاید کفاف چند روز را بیشتر ندهند. صدای آب در جوی‌های بزرگ تهران و مظهر قنات‌ها، روزی منبع آبادانی محله‌های مهمی چون منیریه، امیریه، بازار... بوده است و حالا زمانی است که باید آنها را دوباره کشف کرد و به زندگی شهری امروز پیوندشان زد.

اسماعیل کهرم: به مردم شهر، جز صرفه‌جویی چه چیزی را می‌شود پیشنهاد داد و درخواست کرد آن هم در شرایطی که آب آشامیدنی در تهران به بحران خود رسیده. نهایت این است که مردم ما در خانه یا برای مسایل بهداشتی از آب استفاده می‌کنند یا برای نوشیدن واگر بی‌مبالا باشند گاهی با آن باغچه را هم آبیاری می‌کنند یا ماشین‌ای را می‌شویند. اما واقعیت این است که این میزان مصرف آنقدر کم باید زیاد نیست که صرفه جویی در آن بتواند ما را از بحران عبور دهد. شرایط ما امروز تایید پیش‌بینی‌هایی است که کارشناسان سال‌ها قبل کرده بودند؛ آن زمانی که سدها یکی بعد از دیگری در مسیر آب‌های روان کشور قرار می‌گرفت و با وجود اعتراض‌های زیاد، این سدها را عامل سازندگی کشور می‌دانستند. حالا تنها کاری که از مردم برمی‌آید همین مراقبت از آب آشامیدنی است. اینکه مراقب نشتی آب در لوله کشی خانه باشند، از آب در مصارفی مثل باغبانی گل و گیاه باغچه کمتر استفاده کنند و از آن به‌هیچ‌وجه در شستشوی کف حیاط یا مواردی مثل این بهره نبرند. یک نکته هم نباید بپهان بماند و آن این است که ما امروز بیش از هر وقتی نیاز به آموزش داریم، یعنی اگر مدام تلویزیون و رادیو و روزنامه از کم‌آبی حرف بزند باز هم کم است. باید یک فرهنگ عمومی نسبت به این موضوع ایجاد شود تا همه بدانند چقدر بحران به ما



❖ **عسل عباسیان**

دغدغه خشکسالی و کم‌آبی این‌روزها دیگر یک دغدغه فراگیر است. پیر و جوان و کوچک و بزرگ نمی‌شناسد. همه نگرانند و هر کسی راه‌حلی ارایه می‌کند. داریوش فرهنگ هم به‌عنوان یک هنرمند، نگرانی‌های خودش را دارد. او در ادامه راحل‌هایش برای مقابله با کم‌آبی را ارایه کرده است.

❖ **این‌روزها خبرهای مربوط به کم‌آبی و خشکسالی را می‌شنوید، چه حسی دارید؟**

مساله آب آن بیست معروف سعدی را در ذهنم انطور تداعی می‌کند: «آب همین پنج‌روز و شش باشد، وین گلستان تا به کی خوش باشد؟» ماجرای کم‌آبی به مرحله‌ای رسیده که دیگر که‌مصرف‌کردن جولاگو نیست. ما کشور خشک و بی‌آبی داریم که سال‌هاست مسوولان دولت درباره کم‌آبی به ما هشدار داده‌اند اما ما در برابر آن چه کرده‌ایم؟ خدا می‌داند. کافی است شممال و جنوبمان را نگاه کنیم و ببینیم این جنگل‌هایی که می‌سوزند و دریاچه‌ها و سدهایی که خشک شده‌اند، چه سرنجایی خواهند داشت؟ از هامون مفلوک بگویم یا زاینده‌رودی که روح زندگی اسفهان بود؟ از سد لار بگویم و باغات خشک شمیران؟ گفتنی‌ها کم نیست؛ کافی است کمی به اطرافمان توجه کنیم. آب‌شرب این برجهای سرفراشته بناست از کجا تامین شود؟ یک روزگاری مثلی می‌گفت «سواره از پیاده خبر ندارد و پیاده از سوار» اما امروزه بر سر این معضل،